

عنوان مقاله:

گفتمان هویت فرهنگی زنان در فرش دست باف دوره قاجار و پهلوی با رویکرد فوکو

محل انتشار:

مبانی نظری هنرهای تجسمی، دوره 7، شماره 2 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

نویسندگان:

سپیده طراوتی محجویی - دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران

فاطمه کاتب - استاد، گروه پژوهش هنر دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران

مهدی کشاورز افشار - استادیار و هیئت علمی گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

از مسایلی که کم تر به آن پرداخته شده است، مساله هویت فرهنگی زنان در حوزه فرش دست باف می باشد. از آنجا که فرش دست باف همواره، آمیخته با زندگی زنان بوده است، مساله اصلی این پژوهش، اعتبار بخشیدن به گفتمان هویت فرهنگی زنان در فرش دست باف و مفصل بندی عناصر موثر این گفتمان در ایران دوران قاجار موخر و پهلوی اول است. در این پژوهش، با تکیه بر نظریات فوکو، مجموعه گزاره‌های تولید کننده دانش در حیطه مربوط به زنان و فرش بافی در دو دوره مذکور مورد بررسی قرار گرفته است. لذا، زن در ارتباطش با فرش دست باف از سه منظر (۱) ذهنی؛ (۲) عینی و (۳) موضوع اثر، مورد تحلیل قرار گرفته است و سعی در کشف روابط عناصر مرتبط با زنان و نحوه ایجاد معنا و گفتمان در فرش شده است. هم چنین، هدف از این پژوهش، پاسخ به این پرسش است که، هویت فرهنگی زنانه در فرش دست باف ایرانی در دوران قاجار و پهلوی را چگونه می‌توان اعتبار بخشید؟ روش پژوهش کیفی و از نوع تحلیل گفتمان می‌باشد. برای تحلیل داده ها و رسیدن به پاسخ مساله، از نظریه دیرینه‌شناسی میشل فوکو به عنوان چارچوب نظری استفاده شده است. این روش به سبب وفور مستندات در مورد مشارکت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زنان در حوزه فرش دست باف دوران مزبور، جهت اعتبار بخشی و توصیف این گفتمان، اتخاذ شده است. نتیجه پژوهش، حاکی از آن است که با در نظر گرفتن زنان در موقعیت‌های سه‌گانه ذهنی، عینی و موضوع اثر، می‌توان به هویت فرهنگی زنان در گفتمان فرش دوران قاجار موخر و پهلوی اول اعتبار بخشید.

کلمات کلیدی:

گفتمان زنانه، فرش دست باف، فوکو، زنانگی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1581511>

